**انسان شناسی مهاجرت[[1]](#footnote-1)**

**کارولین برتل**

**برگردان** سعیده سعیدی[[2]](#footnote-2)

از منظر انسان شناسان زیستی، قدمت مهاجرت جمعیت های انسانی به ظهور و پیدایش انسان های اولیه[[3]](#footnote-3) میرسد. باستان شناسان انسان شناس به مهاجرت و تغییر مکان شکارچیان و جمع آورنده های محصولات و همین طور مردمی که تمدن های باستانی دنیای قدیم و جدید را بنا نهاده اند اشاره می کنند. انسان شناسان تاریخی که روی اطلاعات آرشیو شده کار می کنند نشان داده اند که رفت و آمد افراد از جوامع محلی خود در اروپا، آمریکای لاتین، چین و ژاپن برای قرن ها ادامه داشته است. همچنین فرضیاتی درباره جمعیت های انسانی مهاجر در رویکرد نظری اشاعه گرایی[[4]](#footnote-4) در انسان شناسی فرهنگی قرن بیستم در اروپا و آمریکا وجود داشته است. به هر روی، در بیشتر تحقیقاتی که انسان شناسان فرهنگی و اجتماعی در نیمه اول قرن بیستم انجام داده اند توجه کمی به امر مهاجرت شده است زیرا بسیاری از مردم نگاران با تعریفی محدود از فرهنگ و پارادایم نظری ساختاری- عملیاتی[[5]](#footnote-5) کار می کردند.

با شروع تحقیقات میدانی انسان شناسان به خصوص آنهایی که تحقیقات میدانی را در آفریقا در اواخر دهه 1940 و دهه 1950 انجام دادند این امر شروع به تغییر کرد و در این زمان انسان شناسان به مطالعه افرادی که از روستاها به شهرها می آمدند روی آوردند و درصدد آن شدند که از روی این امر روند تبدیل انسان "قبیله نشین[[6]](#footnote-6)" به انسان شهرنشین را مطالعه نمایند. در این زمان بود که حوزه انسان شناسی شهری بوجود آمد و هم چنین مطالعات مهاجرت در حوزه انسان شناسی فرهنگی و اجتماعی شکل گرفت. بسیاری از این انسان شناسان شهری با موسسه دانشگاهی رودز لیوینگتن آفریقا[[7]](#footnote-7) یا دانشگاه منچستر در انگلیس[[8]](#footnote-8) مرتبط بودند. آنها یک روش مطالعه موردی گسترده و تحلیل های موقعیتی[[9]](#footnote-9) بوجود آوردند تا تعاملات بین قومیت های مختلف در شهرها را بررسی نمایند. این گروه از انسان شناسان همچنین مفهومی به نام شبکه های اجتماعی را ایجاد نمودند تا به عنوان یک روش جایگزین درباره اشکال مختلف سازمان اجتماعی لحاظ گردد. این مسئله یک حرکت انقلابی در حوزه انسان شناسی گروه های خویشاوندی و تباری بود. مطالعه شبکه ها به عنوان مشخصه کلیدی تحقیقات انسان شناسی است که بر جمعیت های مهاجر داخلی و بین المللی در سراسر کره زمین تمرکز دارند (Brettell 2008). نظریه های مهاجرت شبکه-واسط[[10]](#footnote-10) (Wilson 2009) تا حدی متفاوت است با مدل های نظری انتخاب عاقلانه که مورد اقبال رویکردهای اقتصاددانان و سیاستمداران است. انسان شناسان نه تنها به مطالعه چگونگی عمل شبکه ها به عنوان بخشی از فرایند مهاجرت علاقمند هستند بلکه بررسی نقش شبکه ها به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی در تسهیل اسکان و ادغام اجتماعی مهاجران نیز از مباحث مورد علاقه انسان شناسان است.

انسان شناسان در حوزه شبکه های مهاجرتی با جامعه شناسان علائق مشترک دارند. اما تفاوت هایی متمایز در انسان شناسی مهاجرت وجود دارد. اگرچه انسان شناسان رویکردهای سطح کلان شامل روندهای اقتصاد جهانی و ملاحظات سیاستگزاری ملی و بین المللی را لحاظ می کنند، اما باید اذعان داشت که مطالعات انسان شناختی مهاجرت عموما بر مناطق محلی رخ تمرکز دارد که با بهره گیری از روش های کیفی جمع آوری داده ها به شناخت تجربه زیسته[[11]](#footnote-11) مهاجران می پردازد و همچنین این مطالعات در جهت دانستن این نکته که چطور مهاجرت به یک "شیوه از زندگی" در بسترهای محلی، منطقه ای و ملی تبدیل شده است تلاش دارد (Cohen 2004). انسان شناسی رشته ای است که به مکان حساس است و سوالات انسان شناسی مرتبط با مهاجرت کمتر بر روی حجم کلی جریان مهاجرت (چیزی که بیشتر مورد علاقه اقتصاددانان و سیاستمداران است) تاکید دارد و تمرکز اصلی مطالعات انسان شناختی در حوزه مهاجرت تحلیل بافت زمینه ای جوامع مبدا و مقصد مهاجران و همچنین ارتباط بین آنها می باشد. مطالعات انسان شناسی مهاجرت اغلب چند وجهی است. بنابراین تحقیق انسان شناختی مهاجرت نه تنها ابعاد ساختاری فرایند مهاجرت و جامعه مهاجر را بررسی می کند بلکه تاثیری که مهاجرت دیگران بر روی زندگی افرادی که در جامعه مبدا[[12]](#footnote-12) باقی مانده اند و مهاجرت نکرده اند را نیز بررسی می کند. همچنین تحلیل مراسله های[[13]](#footnote-13) اجتماعی (ایده ها و اعمال) که به جامعه مبدا فرستاده می شوند نیز از جمله موضوعات مورد بحث در مطالعات انسان شناختی مهاجرت می باشد. این مراسلات اجتماعی نه تنها می تواند روابط جنسیتی، طبقاتی، قومی، سیاسی و ارتباطات سازمانی را تغییر دهند بلکه می توانند مهاجرت های جدیدی را باعث شوند. اگرچه سطوح تحلیل کلان و میانی بر آن هستند که در انسان شناسی مهاجرت، فراگیر و گسترده تر عمل کنند ولی این رشته به شدت در سطح خرد و مقایسه های بین فرهنگی ریشه دارد. بنابراین با وجودی که بیشتر تحقیقات قوم نگارانه بر روی یک مکان یا جمعیت مهاجر مشخص متمرکز می شوند بعضی از انسان شناسان از مطالعات میدانی فراوان انجام شده استفاده می کنند تا نه تنها مقایسه هائی را در حوزه مکانی بلکه در حوزه زمانی انجام دهند. این چنین مقایسات اغلب منجر به سوالات تحقیقی جدیدی می شود و می تواند به پالایش چهارچوب های نظری موجود کمک نماید (Foner 2005: 3). در نهایت با توجه به تاکید انسان شناسی بر روی فرهنگ، انسان شناسی مهاجرت به بررسی سوالاتی در خصوص هویت و تعلق[[14]](#footnote-14) در چارچوبی تحلیلی با توجه به متغیرهائی مانند باورها و رفتار، ساختار و عاملیت[[15]](#footnote-15) می پردازد.

از جمله دیگر موضوعات مورد بررسی در انسان شناسی مهاجرت، فراملی گرایی[[16]](#footnote-16) است که به عنوان یک دیدگاه تحلیل انتقادی توسط نینا گلیک شیلر[[17]](#footnote-17)، لیندا باخ[[18]](#footnote-18) و کریستینا زانتون بلانک[[19]](#footnote-19) (1992) بنیان گذاشته شد به دنبال شناخت و تحلیل نقاط اتصال بین جامعه مبدا و مقصد مهاجران بوده و درصدد واکاوی این است که نقش مهاجران در این ارتباطات فرامرزی چیست. این ارتباطات فراملی در میان مکان های مختلف بخشی از تجربه مهاجران است، چه در ابتدای فرایند مهاجرت و چه در رابطه با مهاجرت های بازگشتی. با گسترش و توسعه مدل های نوین ارتباطات و تکنولوژی سرعت و حجم ارتباطات فراملیتی افزایش چشمگیری یافته است. افزایش ارتباطات اجتماعی فراملیتی منجر به رشد چشمگیر حجم و میزان تاثیرگذاری مراسلات اقتصادی در کشورهای مبدا و مقصد شده است. در همین راستا درجه مداخلات موثر مهاجران بر سیاستگذاری های کشور مبدا از طریق موسسات داخلی و یا دیگر مکانیسم ها نیز افزایش یافته است. از سوی دیگر امروزه میزان دسترسی دولت های جوامع مهاجر فرست به اتباع خود که ساکن کشور مبدا نیستند نیز با افزایش چشمگیری روبرو شده است ( Vertovec 2009: 15). انسان شناسان مهاجرت، بسیاری از این مباحث را به منظور پالایش درک ما از ماهیت، اهمیت و گستره مراودات فراملیتی مورد تحقیق قرار داده اند.

انسان شناسان همچنین در حوزه مطالعات مرتبط با شهروندی در چارچوب نظریات فراملیتی حضوری فعال داشته اند و در این راستا با ایجاد مفاهیم جدیدی مانند شهروندی قابل انعطاف[[20]](#footnote-20) یا شهروندی فرامرزی[[21]](#footnote-21) تلاش نموده اند ابعاد سیال و چند وجهی مفهوم تعلق را در قرن 21 بازگو نمایند. اینگونه مباحث هم متاثر از تاثیرات سطح کلان و نقطه نظرات دولت ها و قوانین حکومتی است و هم از سوی دیگر متاثر از سطح خرد و نظرات و تصمیمات پناهندگان و مهاجران می باشد ( Ong 2003). مسئله با اهمیت دیگر در حوزه مطالعات انسان شناختی مهاجرت، مفهوم دیاسپورا (جماعت های مهاجرتی) و شهروندی دیاسپورائیست. انسان شناسان نحوه شکل گیری دیاسپورا و تداوم و بقا آن توسط شبکه های اجتماعی و مجازی را مورد بررسی قرار می دهند. محققان عرصه مطالعات انسان شناختی مهاجرت، هویت دیاسپورائی و معنای ماهوی آن در رابطه با حافظه، نحوه ساختن گذشته و یا تجربه ذهنی مهاجرت را بررسی می نمایند.

واژه بسیار نزدیک به دیاسپورا، مفهوم جهان وطنی بودن[[22]](#footnote-22) است که در واقع شکلی از "دیاسپورای در حرکت[[23]](#footnote-23)" می باشد که به موجب آن افراد حالتی از در میانه بودن[[24]](#footnote-24) در هویت، فرهنگ و ارتباط را احساس می کنند" (Rajan & Sharma 2006: 3). در حالی که تفکرات جهان وطنی گرا تمایل به نوعی احساس باز بودن عمومی نسبت به کلیه افراد دارند، بعضی از انسان شناسان مفهوم "تنش های جهان وطنی" (Mandel 2008) را در مورد ارتباط میان مهاجران و اعضای جامعه میزبان مطرح و مورد تحلیل قرا می دهند. از جمله موضوعات مهم در حوزه انسان شناسی مهاجرت شناخت مفهوم شهروندی فرهنگی[[25]](#footnote-25) است به معنای "حق متفاوت بودن (از نظر نژاد، قومیت یا زبان مادری) از حیث هنجارهای غالب جامعه میزبان تعریف می شود بدون اینکه حق تعلق داشتن فرد در رابطه با مشارکت در فرآیندهای دموکراتیک دولتی-ملی به خطر بیافتد" (Rosaldo & Flores 1997: 57)، این مفهوم از یک سو درصدد تسهیل و کاهش تنش و تعارض در فرایندهای یکپارچه سازی و ادغام مهاجران تازه وارد بوده و از سوی دیگر به دنبال گسترش چندفرهنگی گرائی[[26]](#footnote-26) و کثرت گرائی[[27]](#footnote-27) در جوامع میزبان می باشد.

از حوزه دیگری که مورد توجه انسان شناسان حوزه مهاجرت می باشد تحقیق و بررسی های انتقادی و چالش برانگیز در خصوص سیاست های چندفرهنگی و همچنین ایجاد هویت های هیبریدی است (Wikan 2002; Vertovec 2010). این مسئله ریشه در علاقه عمیق انسان شناسان مهاجرت، بر مطالعه قومیت، مرزهای قومیتی و نشانه های سمبولیک هویت قومی دارد. انسان شناسان با گزارشات و تحقیقات مردم نگارانه غنی خود، درصدد پاسخگوئی به چگونگی ساختن فضاهای اجتماعی جدید در جامعه میزبان توسط مهاجران و هم چنین نحوه بازنمائی حضور سیاسی مهاجران از طریق ایجاد بازارهای قومیتی[[28]](#footnote-28)، موسسات مذهبی و یا اشکال مختلف نمودهای قومیتی مانند فستیوال ها و نمایش های جمعی می باشند.

علاوه بر حوزه های تحقیقاتی در زمینه قومیت، چند فرهنگ گرائی و شهروندی فرهنگی، مطالعه در خصوص ابعاد پذیرش و مجموعه عواملی که در شکل گیری و تسهیل فرایند پذیرش مهاجران در کشورهای میزبان موثر می باشد نیز از جمله دیگر حوزه های مطالعاتی انسان شناسی مهاجرت می باشد (Grillo 1998; Tsuda 2003). دو کار برجسته در این زمینه توسط لئو چاوز از انسان شناسان برجسته حوزه آمریکای لاتین می باشد (2001، 2008). در کار اول او به بررسی نحوه تاثیر گذاری رسانه های جمعی بر شکل دهی نگرش مردم جامعه میزبان نسبت به مهاجران و تازه واردان می پردازد. چاوز با بررسی جلد مجلات آمریکایی در بین سال های بین 1965 و اواخر دهه 1990 بیان می دارد که این تصاویر مثبت، خنثی و هشدار دهنده هستند و بیان می دارد که با گذشت زمان تصاویر هشدار دهنده افزایش یافته است. این در ارتباط با چیزی است که او آن را "روایت تهدید لاتینی ها[[29]](#footnote-29)" می نامد که در واقع مضمونی است که او در کتاب دوم خود (2008) آن را بیشتر مورد موشکافی قرار می دهد. "روایت تهدید لاتینی ها" یک تصویر سازی اجتماعی است که در آن لاتینی ها شخصیت هائی مجازی هستند. آنها به عنوان "بیگانه های غیرقانونی"، "گیرنده های نامشروع اعضای بدن اهدا شده"، "مهاجمان با زاد و ولد بالا" و "جدایی طلبان غیر قابل انعطاف برای تسخیر دوباره جنوب غربی ایالات متحده" معرفی شده اند (Chavez 2008: 42) .

حوزه مطالعاتی مشترک دیگری که میان انسان شناسان و جامعه شناسان وجود دارد مطالعه در مورد ارتباط بین مهاجرت و جنسیت می باشد (Mahler & Pessar 2006). آنها نه تنها به تحلیل راه های مختلفی که مردان و زنان در فرایند مهاجرت انتخاب می کنند مانند اشکال متمایز استخدام و مشارکت نیروی کار می پردازند، بلکه به بررسی تاثیرات مهاجرت بر نقش های جنسیتی در فضای داخلی خانه و مفاهیمی مانند شکل گیری "ازدواج های اشتراکی[[30]](#footnote-30)" می پردازند (Hirsch 2003). در این راستا انسان شناسان در مورد تنوع تعاریف مفاهیمی مانند مردانگی و زنانگی، پدرسالاری و مادرسالاری و تاثیرات مهاجرت در شکل گیری و بازتعریف این مفاهیم تحقیقات وسیعی انجام می دهند. مطالعه ابعاد جنسیتی خانواده های فراملیتی[[31]](#footnote-31)، آوارگی پناهندگان، قاچاق انسان با اهداف جنسی، اقتصادهای مبتنی بر روابط بسته قومیتی و نحوه بازتعریف زیست اجتماعی مهاجران از حوزه های مهم در مطالعات انسان شناسی مهاجرت می باشند.

اگرچه افراد و خانوارها در یک دوره ای اصلی ترین واحد تحلیل در انسان شناسی مهاجرت بوده اند، شهر به عنوان واحد تحلیل نیز از اهمیت بالایی در مطالعات انسان شناختی مهاجرت دارد. شهرها با داشتن بافت هائی متمایز (در مورد تاریخچه، اخلاق شهری[[32]](#footnote-32)، الگوهای مختلف تبعیض در الگوهای اسکان شهری، بازارهای کار، سیستم های سیاسی و موسسات مدنی) تاثیرات و پیامدهای متفاوتی را برای مهاجران ایجاد می نمایند. همچنین شهرها عرصه پیچیده ای از سیاست های چالش برانگیز در قبال جمعیت های مختلف مهاجران -مهاجران تازه وارد از یک سو و مهاجرانی که سابقه طولای اقامت در کشور میزبان را دارند از سوی دیگر- بوده است. شهرها ممکن است که مکان هایی مهاجر دوست یا مهاجر ستیز باشند که در این راستا مدیریت شهری در قبال مهاجران یا بصورت قوانین ضد مهاجر نمود می یابد و یا مبتکر سیاست های حمایت گرانه در جهت تشکیل پناهگاه برای افراد تازه وارد می گردد. اخیرا انسان شناسان با هدف تاکید بر ارتباط بین مهاجران و تجدید ساختار شهری جهانی به سمت مطالعه مقیاس های مهاجراتی در جهان هستند که این موضوع از مباحث اصلی جغرافیدانان می باشد (Glick Schiller & Caglar 2011). این کار جدید بخشی از کوششی است که باعث می شود از یک "ملی گرایی روش شناختی[[33]](#footnote-33)" که جهان را به گروه های قومی یا دولت-ملت ها تقسیم کرده بود دور شویم و بر جایگیری شهر در اقتصاد جهانی تاکید شود. در حقیقت انسان شناسان حوزه مهاجرت درصدد واکاوی این هستند که این مسئله چه تاثیراتی بر تجربه های مهاجران می گذارد و در نتیجه، به دنبال ارائه چارچوب های غیر قومیتی برای ادغام محلی و فراملیتی مهاجران هستند.

یکی از زیر شاخه های مهم در رشته انسان شناسی، انسان شناسی پزشکی است. تعدادی از انسان شناسان پزشکی توجه خود را به سمت مطالعه سلامت مهاجران معطوف داشته اند. این مسئله را نه تنها در مورد نحوه مواجهه مهاجران با سیستم پزشکی کشور میزبان مورد تحقیق قرا می دهند بلکه به بررسی نحوه رفتار مهاجران در یافتن تعادل بین تعاریف سنتی بیماری و شفا در فرهنگ خود در مواجهه با مفاهیم و رویه های پزشکی در غرب می پردازد. انسان شناسان در مورد چرائی انگ خوردن برخی از جماعت های مهاجر به بیماری هائی خاص مانند سل و ایدز مطالعات جامعی انجام داده اند. از سوی دیگر مطالعه مشکلات خاصی که در نتیجه عدم امکان بهره مندی از خدمات بهداشتی برای مهاجرانی که در وضعیتی غیررسمی و ثبت نشده هستند به وجود می آید از دیگر حوزه های مورد مطالعه انسان شناسان مهاجرت می باشد.

از جمله حوزه های مشترک میان انسان شناسان و کادر بهداشتی و پزشکی، تاکید بر لحاظ کردن شاخصه های فرهنگی در ارائه خدمات حوزه سلامت و درمان است و اغلب این نگرش را با رویکردی انتقادی مطرح می کند که شیوه رایج اولویت به نژاد و قومیت را نسبت به طبقه زیر سوال می برد. آنها همچنین بر روی افزایش خطرات در حوزه بهداشت و سلامت مهاجران که ظاهرا با طول مدت حضور افراد در کشور میزبان و همچنین تغییرات الگوی خوراک مهاجران که در جریان فرایند ادغام و یکپارچگی با جامعه میزبان ارتباط نزدیکی دارد را مورد مطالعه قرار می دهند. در آخر انسان شناسان حوزه مهاجرت، بر روی مسائلی مثل سلامت روح و روان مهاجران از جمله خشونت های خانگی که در خانواده های مهاجر رخ می دهد تحقیقات وسیعی دارند، مشکلاتی که در نتیجه تفاوت شاخص های فرهنگی - و تفاوت الگوهای تربیتی در کشورهای مبدا و مقصد- مانند میزان پایبندی به شرف و آبرو است که از جامعه مبدا آورده شده اند. این موضوع آخر باعث شده است که پای انسان شناسان به "حوزه فرهنگ و حقوق" و به اصطلاح دفاع فرهنگی باز شود (Renteln 2004).

تمرکز اصلی رشته انسان شناسی بر روی صدای فرودستان است. انسان شناسی مهاجرت سعی می کند تا تحلیلی جامع در خصوص موضوعاتی مانند تجربه های مهاجران از جابجائی های جغرافیائی، اشکال مختلف تصمیمات در خصوص مهاجرت و چرائی آنها، چگونگی اثرگذاری این تصمیمات بر زندگی افراد و اعضای خانواده مهاجران، شناخت اشکال مختلف تجربه طرد شدگی، بهره کشی و تبعیض در زیست مهاجرانه و همچنین هویت های جدیدی که مهاجران در بافت محلی و جهانی برای خود می سازند از جمله مهمترین حوزه های مطالعاتی در انسان شناسی مهاجرت می باشد. انسان شناسی به همین اندازه بر روی اثرات (هم مثبت و هم منفی) جهانی شدن بر کشورهای در حال توسعه به عنوان کشورهای مهاجر فرست، در چارچوب مهاجرت توجه دارد. در پایان، موضوع قاچاق انسان و سایر اشکال سواستفاده نیروی کار که نشان دهنده "وجه زشت" جابجائی های انسانی و آوارگی است نیز از جمله حوزه های مورد علاقه انسان شناسان مهاجرت می باشد.

**منابع برای مطالعه بیشتر**

Brettell, C. B. (2003) *Anthropology and Migration: Essays on Transnationalism, Ethnicity, and Identity.* Walnut Creek, CA: AltaMira Press.

Brettell, C. B. (2008) Theorizing migration in anthropology: The social construction of networks, identities, communities and globalscapes. In C. Brettell & J. F. Hollifield (eds.) *Migration Theory: Talking Across Disciplines*, 2nd edn. New York: Routledge, pp. 113–159.

Chavez, L. (2001) Covering *Immigration; Popular Images and the Politics of the Nation.* Berkeley: University of California Press.

Chavez, L. (2008) *The Latino Threat: Constructing Immigrants, Citizens, and the Nation.* Stanford: Stanford University Press.

Cohen, J. (2004) *The Culture of Migration in Southern Mexico*. Austin: University of Texas Press.

Coll, K. (2010) *Remaking Citizenship: Latina Immigrants and New American Politics.* Stanford: Stanford University Press.

Foner, N. (ed.) (2003) *American Arrivals: Anthropology Engages the New Immigration.* Santa Fe: School of American Research Press.

Foner, N. (2005) *In a New Land: A Comparative View of Immigration.* New York: New York University Press.

Glick Schiller, N., Basch, L., & Szanton Blanc, C. (1992) *Towards a Transational Perspective on Migration: Race, Class, Ethnicity, and Nationalism Reconsidered.* New York: New York Academy of Sciences.

Glick Schiller, N. & Caglar, A. (eds.) (2011) *Locating Migration: Rescaling Migrants and Cities.* Ithaca: Cornell University Press.

Grillo, R. (1998) *Pluralism and the Politics of Difference. State, Culture, and Ethnicity in Comparative Perspective.* Oxford: Clarendon Press.

Hirsch, J. S. (2003) *A Courtship after Marriage: Sexuality and Love in Mexican Transnational Families.* Berkeley: University of California Press.

Mahler, S. J. & Pessar, P. (2006) Gender matters: ethnographers bring gender from the periphery toward the core of migration studies. *International Migration Review* 40(1), 27–63.

Mandel, R. (2008) *Cosmopolitan Anxieties: Turkish Challenges to Citizenship and Belonging in German.* Durham, NC: Duke University Press.

Ong, A. (2003) *Buddha Is Hiding: Refugees, Citizenship, the New America*. Berkeley: University of California Press.

Rajan, G. & Sharma, S. (2006) *New Cosmopolitanisms: South Asians in the US.* Stanford: Stanford University Press.

Reed-Danahay, D. & Brettell, C. B. (eds.) (2008) *Citizenship, Political Engagement, and Belonging: Immigrants in Europe and the United States*. Brunswick, NJ: Rutgers University Press.

Renteln, A. D. (2004) *The Cultural Defense*. Oxford: Oxford University Press.

Rosaldo, R. & Flores, W. V. (1997) Identity, conflict, and evolving Latino communities: Cultural citizenship in San Jose, California. In W. V. Flores & R. Benmayor (eds.), *Latino Cultural Citizenship: Claiming Identity, Space and Politics*. Boston: Beacon Press, pp. 57–96.

Siu, L. C. D. (2005) *Memories of a Future Home: Diasporic Citizenship of Chinese in Panama.* Stanford: Stanford University Press.

Tsuda, T. (2003) *Strangers in the Ethnic Homeland.* New York: Columbia University Press.

Vertovec, S. (2009) *Transnationalism*. London and New York: Routledge.

Vertovec, S. (ed.) (2010) *Anthropology of Migration and Multiculturalism: New Directions.* London: Routledge.

Wikan, U. (2002) *Generous Betrayal: Politics of Culture in the New Europe.* Chicago: University of Chicago Press.

Wilson, T. D. (2009) *Women’s Migration Networks in Mexico and Beyond*. Albuquerque: University of New Mexico Press.

1. . Caroline B. Brettel 2013, Anthropology of migration, *The Encyclopedia of Global Human Migration*, Edited by Immanuel Ness, Blackwell Publishing Ltd. [↑](#footnote-ref-1)
2. . دکترای انسان شناسی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه برمن آلمان، پژوهشگر مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاور میانه، مدرس دانشگاه. [↑](#footnote-ref-2)
3. . Hominids [↑](#footnote-ref-3)
4. . Diffusionist [↑](#footnote-ref-4)
5. . Structural-functional theoretical paradigm [↑](#footnote-ref-5)
6. . Tribal [↑](#footnote-ref-6)
7. . The Rhodes-Livingston Institute of Social Studies in Africa [↑](#footnote-ref-7)
8. . The University of Manchester in England [↑](#footnote-ref-8)
9. . Situational analysis [↑](#footnote-ref-9)
10. . Network-mediated migration [↑](#footnote-ref-10)
11. . Lived experience [↑](#footnote-ref-11)
12. . Sending country [↑](#footnote-ref-12)
13. . Remittance [↑](#footnote-ref-13)
14. . Belonging [↑](#footnote-ref-14)
15. . Agency [↑](#footnote-ref-15)
16. . Transnationalism [↑](#footnote-ref-16)
17. . Nina Glick Schiller [↑](#footnote-ref-17)
18. . Linda Basch [↑](#footnote-ref-18)
19. . Cristina Szanton Blanc [↑](#footnote-ref-19)
20. . Flexible citizenship [↑](#footnote-ref-20)
21. . Transborder citizenship [↑](#footnote-ref-21)
22. . Cosmopolitanism [↑](#footnote-ref-22)
23. . Diaspora on motion [↑](#footnote-ref-23)
24. . In-between [↑](#footnote-ref-24)
25. . Cultural citizenship [↑](#footnote-ref-25)
26. . Multiculturalism [↑](#footnote-ref-26)
27. . Pluralism [↑](#footnote-ref-27)
28. . Ethnic strip malls [↑](#footnote-ref-28)
29. . Latino Threat Narrative [↑](#footnote-ref-29)
30. . Companionate marriage [↑](#footnote-ref-30)
31. . Trans national families [↑](#footnote-ref-31)
32. . Urban ethos [↑](#footnote-ref-32)
33. . Methodological nationalism [↑](#footnote-ref-33)